

با یکدیگر گفتند یا رب این جنسهای شریف را از اینجا آورده اند تا طایفه
 رضی الله عندهما گفت با رسول الله صبر این را بمن بنمودی تا من نیز
 شادمان شدمی رسول الله علیه وسلم فرمود که زبانی آن در آن بود
 که در تو پوشیده بودند و از تو پدید آمدند **از اینجمله است**
 که در پنجاه و یک روز که از آن آب بخوردی البته بر دی رسول الله
 علیه وسلم با آن آب پیغام فرستاد که مردمان مسلمان شدند تو نیز مسلمان
 شوی آن آب مسلمان شد دیگر کس از آن آب نخورد و در آن آب
 میکرفت اما می خورد **از اینجمله است** که یکی از اصحاب گوید که بعد از آنکه
 و ایمان آوردم و مجلس رسول الله علیه وسلم هم معارفتم بگفتم
 رسول الله علیه وسلم میان شام و خفتن بیرون می آمد و ما را احکام
 اسلام می آموخت یک شب غد و بوق پیدا آمد و گفتو بسیار تاریک
 شد و باران عظیم در سبزه کفتم یا رسول الله با چون بمنزله ای خود خواهم
 رفت فرمود که شمار بمنزله ای شمارسانتم بی آنکه شمار از باران
 آسبی رسد چون نماز گذاردم قسم نمودم که بر تیر بدیده بر خود بستیم
 و از منسج بر سر و نماند تا رنگ بود و از آسمان باران میرفت فرمود

که او بدیدم

که بر او بدیدم بر تیر بستیم و هر کدام از ما بمنزل خود رسیدند که جامه ای پیشتر
 هیچ باران نرسیده **از اینجمله است** که این عباس رضی الله عندهما
 گوید که یهودی بود صاحب جمال بسیار مجلس رسول الله علیه وسلم
 می آمد یک روز رسول الله علیه وسلم ویر گفت در پنجصد روز که
 با این جمال بالشتس و در پنجصد روزی گفت من این خود را میکند از من بر
 دیگر روز دیگر مجلس رسول الله علیه وسلم حاضر شد رسول الله علیه وسلم
 این آیت میخواند و حور عین کا مثال اللؤلؤ لکنون یهودی گفت یا رسول
 صامن می شوی بیکی رسول الله علیه وسلم فرمود که بعضا حور صفات
 می شوم یهودی اسلام آورد و اسلام وی بیگوش چون وفات
 یافت رسول الله علیه وسلم بروی نماز گذارد و چون بپرا در قبر
 می نهادند بقبر وی فرود آمد و در آنجا بسیار جانانه بعد از آن بیرون آمد
 و حسین مبارک وی عرق کرده بود و بر سر این می از می گفت یا رسیده
 اصحاب از آن سوال کردند فرمود که از آن سبب بسیار درنگ کردم
 که چندین حور نسوی وی پیش من میگفتند این میگفت من از آن دیم
 و آن می گفت من از آن دیم تا عدد ایشان بعضا در رسید و جامه مرا